

به بهانه ی رونمایی از یادنامه دکتر مبین/ ماجرای چشمان اشک آلود "آتا"

کتاب یادنامه دکتر محمد حسین مبین (پدر جذامیان ایران) قرار است ۱۱ مردادماه جاری در سینما ناجی تبریز رونمایی شود که در بخشی از آن مطال، خاطرات و حواشی مصاحبه هایم از مرحوم مبین نیز آمده است.



به گزارش اعتدال آذربایجان (اعتدال پرس)، یکی از خاطراتی که از دکتر محمد حسین مبین به یاد دارم ماجرای است که منجر به سرازیر شدن اشک چشمان "آتا" شد. اشک هایی که در قاب دوربین ام برای ابد نقش بست...

ماجرای تصویر چشمان اشک آلود "آتا"

سال ۸۵ برای انجام مصاحبه در منزل باصفای "آتا" قرار داشتم...

آتا (پدر) لقبی بود که جذامیان بابا باغی بر روی دکتر مبین گذاشته بودند.

از هر دری سخنی شد اما وقتی به این سؤال رسیدم که: تلخ ترین خاطره ی شما از "بابا باغی" چیست تاملی کرد و درحالیکه صدایش می لرزید گفت:

اوایل دهه ۵۰ ... کمپ بابا باغی از شهر به دور افتاده و کسی پذیرای جذامیان نبود. بالاجبار یکی از جذامیان آن کمپ را که تا کلاس ششم تحصیل کرده بود به عنوان معلم انتخاب و ساختمان کوچکی را بعنوان مدرسه ایجاد کردیم...

در آن مدرسه به غیر از فرزندان جذامیان و معلم یاد شده، خدمتکار زن تنهایی هم کار می کرد.

روزها گذشت و گویا آن مرد که باسوادترین جذامیان "بابا باغی" محسوب می شد، عاشق زن خدمتکار می شود.

پس از مدتی، زن که متوجه بارداری خود شده بود موضوع را به وی می

گوید اما آقای معلم از ترس آبروی خود، زن را خفه کرده و جسدش را در نقطه ای دور می اندازد.

با اینحال پس از تحقیقات گسترده، معلم به عنوان متهم اصلی دستگیر و به جرم خود اعتراف می کند.

اینجا درحالیکه اشکان دکتر مبین از چشمانش سرایز شده بود گفت:

همه ی جذامیان کمپ "با با باغی" همانند فرزندان من بودند. برای من تلخ ترین خاطره ی آن کمپ، به غیر از کشته شدن زن خدمتکار، تصویر تلو تلو خوردن جسد بی جان معلم مدرسه در یک شامگاه شوم بر چوبه ی دار بود...

▪ مهرداد خوشکار مقدم